

مقایسه سیاست خارجی دولت‌های احمدی‌نژاد و روحانی بر اساس نظریه واقع‌گرایی نئوکلاسیک

حسین هژیر سرور^۱

دکتر سید جلال دهقانی فیروزآبادی^۲

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

درجه مقاله: علمی - پژوهشی

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۰۹/۰۹

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۰۶/۱۲

^۱. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبایی (نویسنده مسئول) hoseinhazhir2@gmail.com

^۲. عضو هیئت علمی گروه روابط بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبایی jdeghani20@yahoo.com

چکیده

هدف اصلی این پژوهش این است که با استفاده از مؤلفه‌های نظریه واقع‌گرایی نئوکلاسیک سیاست خارجی دولت‌های احمدی‌نژاد و روحانی را در سه سطح خرد فردی، خرد ملی و سطح کلان مقایسه شود. در این پژوهش در صدد پاسخ به این سؤال هستیم که مهم‌ترین تشابهات و تفاوت‌های سیاست خارجی دولت‌های احمدی‌نژاد و روحانی از منظر رئالیسم نئوکلاسیک کدامند؟ روابط راهبردی با روسیه و مدیریت تعارضات با آمریکا وجه تشابه سیاست خارجی دو دولت است با این تفاوت که دولت احمدی‌نژاد از روابط راهبردی با روسیه به‌عنوان ابزاری برای کاهش فشارهای آمریکا بهره می‌برد اما دولت روحانی از رابطه با روسیه به‌عنوان ابزاری برای چانه‌زنی با آمریکا برای حل بحران هسته‌ای و عادی‌سازی روابط ایران در نظام بین‌الملل استفاده می‌کرد. هر دو دولت نظم حاکم بر نظام بین‌الملل را یک نظم ناعادلانه و سلطه‌گر می‌دانستند که در عرصه عمل دولت احمدی‌نژاد برای مقابله با این نظم ناعادلانه با رویکرد قاطعانه به سمت شرق‌گرایی و رابطه با کشورهای همسایه می‌رود اما دولت روحانی با رویکردهای نرم و تدریجی سیاست مذاکره و تعامل با کشورهای غربی را پیش می‌گیرد. در عرصه داخلی آقای احمدی‌نژاد علاوه بر سیاست خارجی به مسائل داخلی نیز توجه داشت و سیاست خارجی را دنباله سیاست داخلی می‌دانست، درحالی‌که آقای روحانی بیشتر توجه خود را به سیاست خارجی گذاشته بود و حل مسائل داخلی را نیز در گرو تعامل با کشورهای غربی می‌دید. راهبرد پژوهش از نوع قیاسی و گونه پژوهش از نوع کاربردی است.

• واژگان کلیدی

سیاست خارجی، محمود احمدی‌نژاد، حسن روحانی، واقع‌گرایی نئوکلاسیک.

مقدمه

هر کشوری نسبت به تحولات نظام بین‌الملل سیاست خارجی خاصی را برمی‌گزیند و سیاست خارجی هر کشوری نسبت به کشور دیگر متفاوت است. سیاست خارجی هر کشور با عوامل و معیارهای متعددی تعیین می‌گردد که یکی از این معیارها چهره‌های سیاسی هستند که رأس امور کشور را بر عهده دارند یا در بعد خارجی تصمیم‌گیرنده هستند، حال تغییر در چهره‌های سیاسی و تصمیم‌گیرندگان کشور و تعبیر در عوامل داخلی و ملی و همچنین عوامل بین‌المللی می‌تواند باعث تغییر در رویکردهای سیاست خارجی و رفتار سیاست خارجی کشور گردد. جمهوری اسلامی ایران نیز از این امر مستثنی نیست و تغییر در چهره‌های سیاسی در آن می‌تواند زمینه‌ای برای تغییر در رفتار سیاست خارجی گردد. در این پژوهش رویکرد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دو دولت محمود احمدی‌نژاد و حسن روحانی را بر اساس معیارهای نظریه واقع‌گرایی نئوکلاسیک بررسی کرده و به دلایل و عوامل مؤثر در اتخاذ این رویکرد در سیاست خارجی بر اساس نظریه واقع‌گرایی نئوکلاسیک می‌پردازیم.

مسئله‌ای اصلی پژوهش این است که چه عوامل فردی، داخلی و بین‌المللی در تدوین سیاست خارجی ایران نقش دارد که باعث می‌شود در دولت احمدی‌نژاد نگاه سیاست خارجی به سمت شرق باشد؛ اما در دولت روحانی سیاست خارجی به گفتمان نگاه به غرب و قدرت‌های بزرگ تغییر کند. در پژوهش به دنبال این هستیم که عوامل داخلی و بین‌المللی مؤثر در سیاست خارجی دولت احمدی‌نژاد و روحانی را بررسی نموده و دلایل اتخاذ جهت‌گیری رفتار سیاست خارجی دو دولت با یکدیگر را مقایسه کنیم؛ تا هم چرایی اتخاذ این نوع نگرش سیاست خارجی بیان شود و هم این‌که عوامل اثرگذار تعیین‌کننده گفتمان سیاست خارجی مشخص گردد.

برای تبیین سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دولت‌های احمدی‌نژاد و روحانی از نظریه واقع‌گرایی نئوکلاسیک استفاده شده است تا سیاست خارجی ایران در سه سطح خرد فردی، خرد ملی و نظام بین‌المللی تبیین گردد. در این پژوهش می‌خواهیم به این سؤال پاسخ دهیم که بر اساس مؤلفه‌های نظریه واقع‌گرایی نئوکلاسیک در سطح ملی و بین‌المللی چه تفاوت‌ها و شباهت‌هایی در سیاست خارجی دولت‌های احمدی‌نژاد و روحانی وجود دارد. راهبرد و استراتژی پژوهش از نوع قیاسی، یعنی از کل به جزء می‌باشد. گونه پژوهش نیز از نوع کاربردی و همچنین مقایسه تطبیقی سیاست خارجی دولت‌های احمدی‌نژاد است. هدف از این پژوهش این است که با

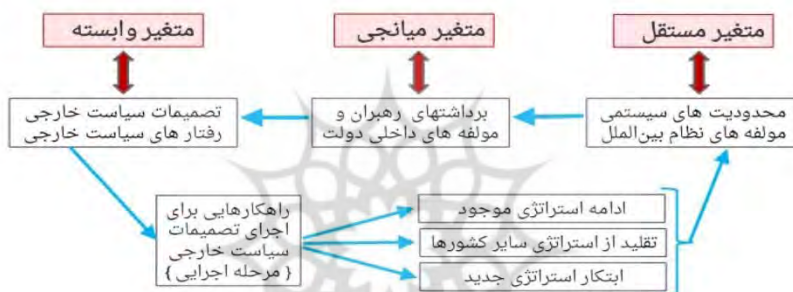
پذیرش واقع‌گرایی نئوکلاسیک عناصر تأثیرگذار بین‌المللی و داخلی که از منظر واقع‌گرایی نئوکلاسیک در تدوین سیاست خارجی ایران نقش دارند را بررسی کنیم تا در نهایت تفاوت‌ها و شباهت‌های سیاست خارجی این دو دولت را آشکار و مقایسه گردد. رویکرد تجدیدنظرطلبانه و راهبرد متوازن‌سازی به‌منظور کاهش آستانه تهدیدات وجه تشابه سیاست خارجی دو دولت بوده است، در این میان دولت احمدی‌نژاد با سیاست نگاه به شرق به دنبال ایجاد نظم عادلانه در نظام بین‌الملل از طریق سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی بود درحالی‌که دولت روحانی سیاست عادی‌سازی روابط ایران با کشورهای منطقه و قدرت‌های بزرگ از طریق چانه‌زنی با قدرت‌های بزرگ دنبال می‌کرد.

۱- چارچوب نظری پژوهش: واقع‌گرایی نئوکلاسیک

واقع‌گرایی نئوکلاسیک برداشتی جدید از نظریه واقع‌گرایی است که در تحلیل سیاست خارجی کشورها کاربرد دارد؛ زیرا علاوه بر توجه به مؤلفه‌های سیستمی در نظام بین‌الملل به مؤلفه‌های داخلی کشورها هم‌چون ساختار دولت و فهم رهبران از نظام بین‌الملل می‌پردازد. توجه نظریه واقع‌گرایی نئوکلاسیک بیشتر بر قدرت است و هم‌چون نواقح‌گرایان قدرت را بر اساس توانمندی‌های مادی کشورها تعریف می‌کند (Jeffrey W. 2009: 5). گیدئون رز در مقاله خود در نشریه سیاست جهانی در سال ۱۹۹۸ از نظریه رئالیسم نئوکلاسیک یاد می‌کند و معتقد است قدرت مادی و نسبی هر کشور، شاخصه‌های ملی سیاست خارجی آن کشور را مشخص و معین می‌کند و این امر باعث می‌شود که کشورهای قدرتمند قدرت خود را اعمال کنند و کشورهای ضعیف‌تر آن‌چه را که از فشارهای بین‌المللی تحمیل می‌گردد، متحمل شوند (Rose, 1998: 146).

در پاسخ به این پرسش که چرا به آن‌ها واقع‌گرایان نئوکلاسیک گفته می‌شود، باید گفت که چون واقع‌گرایان نئوکلاسیک علاوه بر تأثیر آنارشی و سطح نظام بر بینش‌های واقع‌گرایان کلاسیک یعنی سطح تحلیل خرد فردی و ملی هم‌عنايت دارند به همین خاطر به آنان واقع‌گرایان نئوکلاسیک گفته می‌شود (مشیرزاده، ۱۳۹۵: ۱۲۹). باید اذعان داشت که اولویت و ارجحیت با متغیرهای سطح نظام است اما در واقع‌گرایی نئوکلاسیک متغیرهای داخلی و ملی هم در ساخت دولت اثرگذار است (حق‌شناس، ۱۳۹۲: ۶۶۰) در این صورت ساختار نظام بین‌الملل و ویژگی‌های داخلی کشورها یک نوع سیستم را تشکیل می‌دهند که این سیستم به‌نوعی رویکردهای تعاملی دارد؛ یعنی هم ساختار بر سیاست داخلی و هم‌چنین سیاست داخلی بر ساختار نظام بین‌الملل اثر می‌گذارد (Tang, 2009: 802). در این تأثیرگذاری نظام بین‌الملل (به‌عنوان متغیر مستقل) از طریق ساختار دولت، ادراکات، تصمیمات و برآوردهای رهبران از قدرت نسبی (به‌عنوان متغیر میانجی) بر

سیاست خارجی و رفتار و جهت‌گیری کشورها (به‌عنوان متغیر وابسته) صورت می‌گیرد (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۰: ۲۸۰). متغیرهای سطح خرد و ملی هم‌چون پل ارتباطی میان محدودیت‌های سیستمی و رفتار سیاست خارجی کشورها عمل می‌کند و واقع‌گرایی نئوکلاسیک بین این متغیرها جدایی قائل نمی‌شود. واقع‌گرایان نئوکلاسیک عوامل سیستمیک و هم‌چنین عوامل شناختی و داخلی را به‌عنوان مجموعه مشترکی از متغیرهای مداخله‌گر در نظر می‌گیرد؛ تا بتواند محدودیت‌های سیستمی را به رفتار سیاست خارجی کشورها ارتباط داده و قابل توضیح کند. (Reichwein. 2015: 18).



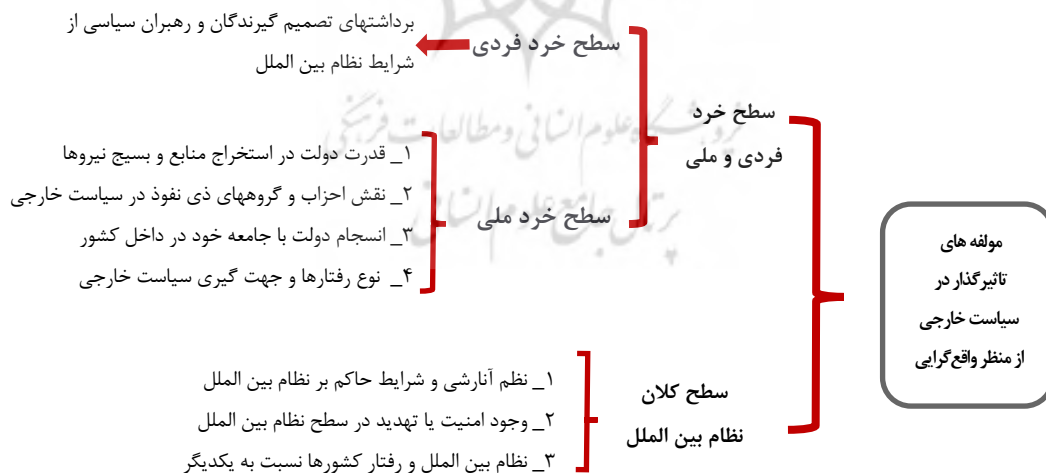
شکل ۱- شیوه اثرگذاری متغیرها در سیاست خارجی از نظر واقع‌گرایان نوکلاسیک

در سطح خرد فردی ارزیابی رهبران دولتی از تهدیدات و تحولات بین‌المللی اهمیت ویژه‌ای دارد؛ زیرا این رهبران دولتی هستند که برداشت‌ها و ارزیابی خود از تحولات و تهدیدات بین‌المللی را تبدیل به تصمیمات سیاست خارجی کرده و رفتار سیاست خارجی کشور را شکل می‌دهند. رهبران دولتی اطلاعات دسته اول در مورد تهدیدات خارجی و رفتار کشورهای دیگر را در دست دارند و به همین خاطر برداشت آنان از متغیرهای سطح نظام اهمیت ویژه دارد (سلیمی، ابراهیمی، ۱۳۹۳: ۳۴). تصمیم‌گیرندگان سیاسی در رفتار سیاست خارجی یا یک استراتژی جدید و ابتکار عمل جدید ایجاد می‌کنند، یا از استراتژی کشورهای دیگر تقلید می‌کنند و یا همان استراتژی موجود را ادامه می‌دهند (Taliaferro. Lobal Ripsman. 2009: 4).

برای این‌که بدانیم چرا یک کشور به طور خاصی رفتار می‌کند، باید به داخل آن کشور نگاه کرد و اولویت‌ها و بازیگران اصلی داخلی را بررسی نمود. همین امر نشان می‌دهد که چگونه کشورها با

سیستم داخلی مشابه در نظام بین‌الملل با شرایط یکسان به‌صورت متفاوت رفتار می‌کنند و هم‌چنین چگونه می‌شود که کشورها با ویژگی‌های داخلی متفاوت در موقعیت‌های مشابه اغلب یکسان رفتار می‌کنند (Rose, 2009, 148).

پژوهش حاضر با استفاده از نظریه واقع‌گرایی نوکلاسیک به صورت یک نظریه کلی و نه لزوماً تدافعی یا تهاجمی بودن نظریه، قصد مقایسه سیاست خارجی دو دولت احمدی‌نژاد و روحانی را دارد. در این پژوهش مؤلفه‌های نظریه واقع‌گرایی نوکلاسیک به صورت یک نظریه کل مورد توجه است که در سطح خرد فردی برداشت‌های تصمیم‌گیرندگان و رهبران سیاسی از شرایط نظام بین‌الملل به عنوان برداشت نخبگان سیاسی، در سطح خرد ملی مؤلفه‌هایی چون ۱- قدرت دولت در استخراج منابع و بسیج نیروها، ۲- نقش احزاب و گروه‌های ذی‌نفوذ در سیاست خارجی به عنوان نقش نخبگان اجتماعی ۳- انسجام دولت با جامعه خود در داخل کشور، ۴- نوع رفتارها و جهت‌گیری سیاست خارجی و در سطح کلان نظام بین‌الملل به ۱- نظم‌آرشی و شرایط حاکم بر نظام بین‌الملل، ۲- وجود امنیت یا تهدید در سطح نظام بین‌الملل، ۳- نظام بین‌الملل و رفتار کشورها نسبت به یکدیگر مورد بررسی قرار می‌گیرد و با توجه به این مؤلفه‌ها سیاست خارجی دولت‌های احمدی‌نژاد و روحانی مقایسه شده تا تفاوت‌ها و تشابهات رفتار سیاست خارجی آشکار گردد. شکل زیر مؤلفه‌های مورد توجه واقع‌گرایان نوکلاسیک را نشان می‌دهد.



شکل ۲- مؤلفه‌های مورد توجه واقع‌گرایان نوکلاسیک

۲- اصول کلی سیاست خارجی

۲-۱- اصول کلی حاکم بر سیاست خارجی دولت محمود احمدی‌نژاد

رویکردها و اصولی که در سیاست خارجی دولت احمدی‌نژاد به چشم می‌خورد در اصولی هم‌چون تأکید بر حاکمیت معنوی و اصول اخلاقی و عادلانه در سیاست خارجی و مناسبات جهانی، تأکید بر عدالت و عدالت‌ورزی در سیاست خارجی و ایجاد توازن و تعادل میان تکالیف و مسئولیت‌ها با حقوق و اختیارات جمهوری اسلامی ایران در نظام بین‌الملل، تأکید بر پیشرفت کشورها در سیاست خارجی، نفی انفعال در سیاست خارجی، تأکید بر دیپلماسی مردم‌محور یعنی تعامل و روابط با دولت‌های عدالت‌خواه، سیاست نگاه به شرق برای توازن میان شرق و غرب، تأکید بر اصول مهوروزی در سیاست خارجی قابل مشاهده است.

سیاست خارجی دنبال سیاست داخلی است و اگر کشوری در دنیایی که جهان به سمت یکپارچگی مرزها پیش می‌رود، سیاست داخلی را از سیاست خارجی تفکیک کند، نمی‌تواند در نظام بین‌الملل دوام بیاورد (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۶: ۷۶). در مصاحبه نویسنده مقاله با آقای احمدی‌نژاد، آقای احمدی‌نژاد معتقد است که باید هم در سیاست داخلی و هم در سیاست خارجی عدالت و احترام برای همه وجود داشته باشد که مستلزم عزم عمومی در داخل و خارج از سیاست‌های ملی است. ایجاد هم‌گرایی و هم‌افزایی در میان دولت‌ها و ملت‌ها یکی از اصول اساسی سیاست خارجی دولت احمدی‌نژاد بود.

یک مفهوم اصلی سیاست خارجی آقای احمدی‌نژاد که سایر مفاهیم سیاست خارجی نیز بر اساس آن معنا پیدا می‌کند، مفهوم «عدالت» است (محمودخانی، کشیشیان: ۱۳۹۵، ۱۳) دولت احمدی‌نژاد عزت و کرامت را در پایه‌ریزی عدالت در نظام بین‌الملل می‌داند و معتقد به این بود که وجود عدالت در نظام بین‌الملل باعث گسترش و شکل‌گیری صلح پایدار و ایجاد نظم در جهان می‌گردد. دولت آقای احمدی‌نژاد برای ایجاد توازن و عدالت بین غرب و شرق سیاست «نگاه به شرق» را در پیش می‌گیرد و به دنبال ایجاد رابطه با کشورهایی مثل روسیه هند و چین روی می‌آورد و هم‌چنین برای مبارزه با سلطه‌گری شمال سیاست ایجاد رابطه با کشورهای جنوب را در پیش می‌گیرد که رابطه با کشورهای آفریقایی نمونه آن است (صادقیان، موسوی، ۱۳۹۶: ۱۴).

از دیگر ابعاد سیاست خارجی دولت آقای احمدی‌نژاد پیگیری برنامه هسته‌ای ایران است که اهداف آن را از دولت نهم پایه‌ریزی شده بود. انرژی هسته‌ای که ملت ایران آن را حق مسلم خود می‌دانستند از مؤلفه‌های مختلفی هم‌چون اهداف صلح‌آمیز، عدالت، استقلال و مقاومت نشأت

می‌گرفت. گفتمان هسته‌ای در دولت احمدی‌نژاد که با شعار انرژی هسته‌ای حق مسلم ماست پیگیری شد و به نوعی باعث ایجاد اقدامات تنبیهی بر علیه سایر کشورها در صورت بروز اقدامات خصمانه علیه ایران در نظام بین‌الملل بود که ظلم‌ستیزی و مقاومت در برابر تبعیض و همچنین افزایش منزلت مردم ایران در جهان و موجبات پیشرفت ایران در عرصه توسعه و فن‌آوری را در پی داشت. (سلطانی، اشرفی، ۱۳۹۷: ۱۱۰-۱۱۳).

۲-۲- اصول سیاست خارجی دولت حسن روحانی

رویکردی که از طرف آقای روحانی و آقای محمدجواد ظریف وزیر خارجه دولت عنوان می‌گردید، بر مواردی چون تعامل سازنده با جهان، رابطه با کشورهای غربی و اروپایی و حل مسائل سیاسی از طریق مذاکره بر پایه منافع ملی ایران و تعامل با آمریکا، متوازن سازی روابط با چین، بهبود روابط با کشورهای همسایه، تلاش برای خروج از امنیتی شدن ایران، نگاه متفاوت به برنامه هسته‌ای ایران و در نهایت امضای توافق برجام، تاکید می‌کرد (دهقانی فیروزآبادی، ترابی، ۱۳۹۲: ۱۴۴-۱۵۶).

چندجانبه‌گرایی و تعامل ابزاری است که آقای روحانی در سیاست خارجی خود به کار می‌گیرد تا به اهداف خود در سیاست خارجی نایل گردد (محمودی کیا، ۱۳۹۷: ۱۶۵). اهدافی چون حفظ امنیت ملی ایران و مقابله با اسلام‌هراسی و ایران‌هراسی، خنثی کردن تهدیدهای بیرونی و پیشرفت و جایگاه کشور به عنوان اهداف سیاست خارجی بیان گردیده است (zarif, 2014: 8). در این صورت، ویژگی‌هایی مثل چندجانبه‌گرایی، اعتمادسازی و عدم تعهدگرایی در شرایط نظام بین‌الملل در سیاست خارجی آقای روحانی به چشم می‌خورد.

اصولی که آقای روحانی مطرح می‌کند، مبتنی بر کنش‌های یک دولت توسعه‌گرا است که از اسنادی هم‌چون سند چشم‌انداز بیست ساله برگرفته شده است (رضایی، ترابی، ۱۳۹۲: ۱۴۷)؛ آن‌چه از سخنان مقامات دستگاه دیپلماسی و آقای رئیس‌جمهور در این دولت برداشت می‌شود، تعامل سازنده با جهان است که به عنوان دال مرکزی سیاست خارجی دولت روحانی قرار گرفته و مورد تأکید می‌باشد (آجیلی، افشاریان، ۱۳۹۵: ۶۳۹).

در سیاست خارجی آقای روحانی «تعامل سازنده» به عنوان دال مرکزی قرار می‌گیرد و سایر مسائل سیاست خارجی مثل انرژی هسته‌ای، روابط با کشورهای دیگر و امضای معاهدات بین‌المللی چون برجام بر پایه تعامل سازنده صورت خواهد گرفت (دهقانی فیروزآبادی، عطایی، ۱۳۹۳: ۱۰۹). همین امر باعث شد که دولت آقای روحانی به سمت تعامل با کشورهای اروپایی و غربی حرکت کند

و از روابط با کشورهای شرقی مثل چین برای برقراری توازن در روابط با غرب کاسته شود (رضایی، ترابی، ۱۳۹۲، ۱۵۳). در این صورت می‌بینیم که در سیاست خارجی دولت روحانی برعکس سیاست خارجی دولت احمدی‌نژاد بیشتر نگاه به غرب و تعامل با کشورهای غربی و اروپایی وجود دارد (آجیلی، افشاریان، ۱۳۹۵: ۶۴). در این صورت موضوعات و مسائل سیاست خارجی در دولت آقای روحانی مثل برجام و پرونده هسته‌ای و روابط با سایر کشورها بر پایه اصل تعامل سازنده با سایر کشورها به‌ویژه کشورهای غربی صورت می‌گیرد.

از موضوعاتی که در سیاست خارجی دولت آقای روحانی در اولویت قرار گرفت، موضوع مذاکره با آمریکا بود. در روابط ایران و آمریکا دولت روحانی با سیاست واقع‌گرایی - آرمان‌گرایی پیش رفت، یعنی علاوه بر حرکت به سمت آرمان‌ها با واقعیات و توجه به امکانات موجود در داخل و خارج حرکت می‌کرد. آقای روحانی سیاست خارجی خود را احترام متقابل و ایجاد روابط دوستانه با سایر کشورها اعلام می‌کند (آجیلی، افشاریان، ۱۳۹۵: ۵۹-۶۰) که در نهایت نتیجه مذاکرات صورت گرفته با غرب به امضای برنامه جامع اقدام مشترک موسوم به "برجام" ختم می‌شود که در ۲۳ تیرماه ۱۳۹۴ یا ۱۴ ژوئیه ۲۰۱۵ بین ایران و کشورهای ۵+۱ که در وین اتریش منعقد شد، انجامید. (عابدینی، ایزدی، ۱۳۹۶: ۲۸۶).

اهدافی که دولت روحانی از انعقاد برجام برای منطقه خاورمیانه داشت در سه دسته که شامل اول اهداف کوتاه‌مدت یعنی تغییر نظم منطقه به نفع ایران، دوم اهداف میان‌مدت یعنی پذیرش ایران به عنوان قدرت منطقه از طرف سایر کشورهای منطقه و سوم اهداف بلندمدت یعنی ایجاد یک نظم مبتنی بر مشارکت در منطقه و نشان دادن مسئولیت‌پذیری ایران تقسیم می‌شود (خسروی باب اناری، ۱۳۹۶: ۵۰).

اصل دیگر دولت روحانی غیرامنیتی کردن چهره ایران بود؛ زیرا امنیتی شدن یک کشور به این معناست که سایر کشورها در نظام بین‌الملل به آن کشور به عنوان یک تهدید می‌نگرند و در نتیجه تلاش می‌کنند که روابط خود را با آن کشور کاهش دهند (PourAhmadi, Mohseni. 2012: 144-148). آقای روحانی در مقابل فعالیت‌هایی که توسط کشورهای غربی برای مخدوش کردن چهره ایران میان سایر کشورها صورت می‌گرفت سعی در خارج کردن چهره ایران از حالت امنیتی داشت (رضایی، ترابی، ۱۳۹۲: ۱۴۸).

۳- دلایل جهت‌گیری سیاست خارجی دولت دهم و یازدهم بر اساس واقع‌گرایی نئوکلاسیک برای این که بتوان سیاست خارجی دولت‌های احمدی‌نژاد و روحانی را در قبال دو کشور آمریکا و روسیه مقایسه کرد باید به عوامل و دلایل داخلی و خارجی اتخاذ سیاست خارجی این دو دولت توجه کنیم؛ یعنی علاوه بر عوامل خارجی در قالب سطح کلان نظام بین‌الملل باید به شرایط داخلی درون دولت‌ها در قالب سطح خرد فردی و ملی نیز توجه نمود. در این صورت باید ضمن توضیح مؤلفه‌های سطح خرد فردی، سطح خرد ملی و سطح کلان بر اساس نظریه واقع‌گرایی نئوکلاسیک هر مؤلفه در سیاست‌های اتخاذی دولت‌های احمدی‌نژاد و روحانی را بررسی کرده و مقایسه نماییم.

۱-۳- سطح خرد فردی

اگر قدرت یک کشور در یک دوره زمانی سیاست بین‌الملل را تحت تأثیر قرار می‌دهد این عامل ناشی از برداشت و تصمیمات صحیح رهبران آن دولت از شرایط داخلی و بیرونی است زیرا این رهبران تصمیم‌گیرندگان هستند که اطلاعات را پردازش می‌کنند و قدرت نسبی کشور خود را می‌سنجند و در نتیجه گزینه‌های موجود را انتخاب کرده و نتایج احتمالی انتخاب گزینه مورد نظر را محاسبه می‌کنند (کولایی، عابدی، ۱۳۹۷، ۱۰). درک رهبران و تصمیم‌گیرندگان از قدرت نسبی تا حدی اهمیت دارد که ولفورت می‌نویسد "اگر قدرت در سیاست بین‌الملل تأثیرگذار باشد این عمل تا حد زیادی از طریق افرادی که از طرف دولت تصمیم می‌گیرند اعمال شود." بنابراین درک تصمیم‌گیرندگان از توزیع قدرت یکی از مؤلفه‌های مهمی است که باید مورد توجه قرار گیرد. برداشت تصمیم‌گیرندگان از قدرت خود باعث رفتار و جهت‌گیری سیاست خارجی می‌شود (Juneou & Schmidt, 2009: 19).

در ایران و بسیاری از کشورها نسبت به نظم حاکم در جهان دو دیدگاه وجود دارد: دیدگاه اول دیدگاهی انفعالی به شرایط حاکم در نظام بین‌الملل بوده که معتقد است کاری به نحوه ایجاد این نظم و چگونگی اداره جهان نداشت. در مقابل، دیدگاه دوم دیدگاهی فعالانه بوده که برخی کشورها معتقدند علاوه بر مسئولیت‌پذیری باید در تغییرات نظام بین‌الملل و اصلاح اداره جهان یک نقش فعال داشته باشیم و همه کشورها باید در نحوه اداره نظم بین‌المللی سهیم باشند تا مدیریت مشترک جهانی معنا پیدا کند. آقای احمدی‌نژاد در مورد دیدگاه سیاست خارجی دولت خود من‌گوید: "دولت نهم و دهم دیدگاه دوم (دیدگاه فعالانه) را برای سیاست خارجی خود انتخاب کرده و در مجامع بین‌المللی پیشنهادهای مؤثری در جهت مدیریت مشترک جهان داشته است که یک مورد آن در نشست عمومی سازمان ملل در مورد اصلاح اساسنامه بود که ایران در آن نشست ۱۱ پیشنهاد را ارائه داد که از ۱۱ پیشنهاد، ۹ مورد تصویب شد. محور پیشنهادهای ایران در نشست

اصلاح اساسنامه در خصوص خلع سلاح جهانی از بمب اتم، جلوگیری از ساخت بمب اتم و برقراری امنیت برای کل کشورها بود که این حضور فعال در نظام بین‌الملل را نشان می‌دهد (هژیر سرور، مصاحبه با محمود احمدی‌نژاد، ۱۳۹۸).

آقای روحانی نظام بین‌الملل را یک نظم ناعادلانه می‌داند و سعی می‌کرد که با انتخاب سیاست تعامل سازنده به عنوان دال مرکزی سیاست خارجی خود به برقراری تعادل در نظام بین‌الملل از طریق مسیرهای دیپلماتیک و مذاکره اقدام نماید (عابدینی، ایزدی، ۱۳۹۶: ۲۷۷-۲۷۹). دولت روحانی تلاش می‌کرد با یک رویکرد آگاهانه همراه با تعامل مذاکرات هسته‌ای را با تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای پیگیری نماید. آنچه باعث ایجاد تغییر اساسی در جهت‌گیری سیاست خارجی دولت روحانی نسبت به دولت احمدی‌نژاد شد هم‌خوانی و هم‌سویی فکری آقای ظریف و آقای روحانی بود که این هم‌خوانی در سطح خرد فردی جای می‌گیرد (باقری دولت‌آبادی، مردانلو، ۱۳۹۴: ۳۵-۳۶)؛ بنابراین آقای روحانی و آقای ظریف و سایر افرادی که در تصمیم‌گیری تا حدودی اثرگذار بودند از یک سو شرایط حاکم بر نظام بین‌الملل را ناعادلانه می‌دانستند و از سویی از طریق تعامل، همزیستی مسالمت‌آمیز، تنش‌زدایی، اعتمادسازی، تفاهم و مفاهیمی همچون به ایجاد تغییر در نظام بین‌الملل پرداختند (عابدینی، ایزدی، ۱۳۹۶: ۶۰).

۲-۳- سطح خرد ملی

گاهی علاوه بر شرایط حاکم بر نظام بین‌الملل و رفتار سایر کشورها، شرایط داخلی کشور هم بر نوع جهت‌گیری و رفتار سیاست خارجی اثرگذار است. این مؤلفه‌ها در سطح خرد ملی به صورت متغیرهای میانی بین محدودیت‌های ناشی از نظام بین‌الملل و رفتار و جهت‌گیری سیاست خارجی دولت‌ها قرار می‌گیرند و در نوع جهت‌گیری و تصمیم‌گیری سیاست خارجی مؤثر هستند. در سطح خرد، عواملی که در سطح ملی در سیاست خارجی مؤثرند، مورد بررسی قرار می‌گیرند. در این سطح، عواملی هم‌چون بسیج منابع و نیروها، احزاب سیاسی و گروه‌های فشار، انسجام بین جامعه و دولت و رفتار سیاست خارجی دولت را نسبت به دولت‌های احمدی‌نژاد و روحانی بررسی خواهیم کرد.

۲-۳-۱- توانایی استخراج منابع و بسیج نیروها: منابع و توانمندی‌های داخلی در نظریه واقع‌گرایی نئوکلاسیک همان قدرت حکومت است که برای پیگیری اهداف دولت مورد استفاده قرار می‌گیرد (Shweller & Welforth:2000:71). این استخراج منابع و هدایت نیروها توسط حکومت

است که کشورها را از یکدیگر متفاوت می‌کند؛ بنابراین در واقع‌گرایی نئوکلاسیک، قدرت به منابعی گفته می‌شود که دولت می‌تواند از جامعه استخراج کند (Juneou & Schmidt, 2009: 15).

نهادهای سیاسی و نظامی داخلی، سازوکارهای استخراج منابع و بسیج نیروها را تعیین می‌کنند و تدوین استراتژی‌های استخراج منابع و هدایت نیروها در آن‌ها صورت می‌گیرد و هرچه این سازمان‌ها منسجم‌تر باشند، سازوکارهای مفیدتری را تدوین می‌کنند (سلیمی، ابراهیمی: ۱۳۹۳، ۳۳). در واقع‌گرایی نئوکلاسیک، یک مفهوم‌سازی از بالا به پایین برای استخراج منابع در دولت صورت می‌گیرد؛ یعنی شرایط حاکم بر نظام بین‌الملل به فرایندهای داخلی درون دولت شکل می‌دهد و اگر شرایط پیچیده در نظام بین‌الملل حاکم باشد باعث رشد نیروهای داخلی در یک کشور می‌شود اما اگر شرایط حاکم بر نظام بین‌الملل مساعد باشد، باعث می‌شود که دولت بتواند نهادهای داخلی خود را کنترل و تثبیت کند (سلیمی، ابراهیمی، ۱۳۹۳: ۳۲-۳۳).

در مصاحبه‌ای که نویسنده با آقای احمدی‌نژاد داشتند، ایشان بیان کردند که در آن دولت چند مسئله نیازمند بسیج عمومی مردم بود. در دولت نهم مسئله کنترل مصرف سوخت نیازمند بسیج منابع و نیروها بود که در این دولت برای جلوگیری از افزایش مصرف سوخت، "طرح کارت سوخت" طراحی شد که مصرف سوخت را در یک کنترل نسبی قرار می‌داد اما وقتی که طرح کارت سوخت با مردم مطرح شد و دلایل آن بیان شد همکاری مردم را به همراه داشت که البته در آن زمان کار زیرساختی گسترده‌ای صورت گرفت و برای تمام خودروهای کشور و تمام مصارف کشور مثل قایق‌ها و موتورسیکلت‌ها کارت سوخت صادر گردید و باعث شد که متوسط مصرف سوخت از ۷۷.۵ میلیون لیتر یکبار به حدود ۵۰ میلیون لیتر کاهش پیدا کند. در دولت دهم نیز "طرح هدفمندی یارانه‌ها" نیازمند بسیج نیروها بود که البته کار مثبت دولت این بود که با اطلاع‌رسانی مردم را در جریان چگونگی اجرای طرح قرار داد و به صورت شفاف کارکرد و در نتیجه با ایجاد زیرساخت‌ها توسط دولت اصل طرح توسط خود مردم اجرا شد. مسئله سوم که در دولت آقای احمدی‌نژاد بسیج نیروهای مردم را نشان می‌دهد بحث انرژی هسته‌ای است که به داشتن انرژی هسته‌ای و همچنین غنی‌سازی و استفاده از مزایای آن، بحث انرژی هسته‌ای را به یک مطالبه ملی تبدیل کرد و مردم ایران در هر جایی با شعار "انرژی هسته‌ای حق مسلم ماست" مطالبه‌گری خود از این طرح را نشان می‌دادند (هژیر سرور، مصاحبه با احمدی‌نژاد، ۱۳۹۸).

در دولت آقای روحانی آنچه در مورد بسیج نیروها مشاهده می‌شود مسئله نگاه جامعه به پرونده انرژی هسته‌ای است که وقتی آقای روحانی در انتخابات سال ۱۳۹۲ شعار پیگیری پرونده هسته‌ای

از طریق مذاکرات را مطرح کرد از رقبای خود پیشی گرفت و نظرسنجی‌های صورت گرفته در آن زمان حاکی از این است که مردم خواهان حل مسئله هسته‌ای و برداشته شدن تحریم‌ها هستند که بعدها با شروع مذاکرات با آمریکا این بسیج مردمی در جهت رفع تحریم‌ها بیشتر قابل احساس بود که درصد زیادی از مردم را شامل می‌شدند؛ بنابراین مسئله اصلی در دولت روحانی که نیازمند بسیج عمومی مردم بود رفع تحریم‌ها علیه جمهوری اسلامی ایران و حل پرونده انرژی هسته‌ای است که از طریق مذاکرات برجام پیگیری می‌شد (باقری دولت‌آبادی، مردانلو، ۱۳۹۴: ۳۹-۴۱).

۲-۲-۳- تأثیر احزاب و گروه‌های ذی‌نفوذ: گروه‌های ذی‌نفوذ یا گروه‌های فشار از سازمان‌ها و عده‌ای از مردم یا همان نخبگان اجتماعی تشکیل می‌شوند که بر اساس یک سری منافع و علایق مشترک با یکدیگر پیوند دارند. گروه‌های ذی‌نفوذ مستقل از احزاب و تا اندازه‌ای مستقل از حکومت هستند که در جهت تحت تأثیر قرار دادن سیاست‌های داخلی و خارجی حکومت تلاش می‌کنند. هرچه یک نظام سیاسی به سمت کثرت‌گرایی پیش برود در نتیجه اندازه و تأثیر گروه‌های ذی‌نفوذ بیشتر خواهد شد و هرچه نظام سیاسی به سمت نظام‌های سوسیالیستی کشیده شود به دلیل فعالیت بسیار اندک بخش خصوصی در این نوع نظام‌ها از اندازه فعالیت و تأثیرگذاری گروه‌های ذی‌نفوذ و نخبگان اجتماعی کاسته خواهد شد (قوام، ۱۳۹۳: ۲۸۴). گروه‌های ذی‌نفوذ نمی‌خواهند در قدرت سهمیم باشند و به صورت مستقیم قدرت را در دست گیرند بلکه این گروه‌ها سعی می‌کنند در تصمیم‌گیرندگان و زمامداران کشور نفوذ کرده و بر آنها فشار وارد آورند تا در جهت منافع گروه‌های ذی‌نفع گام بردارند (ربیعی منوچین، گیوریان، ۱۳۸۴: ۴۹). بر حسب شرایط مختلف، گروه‌های ذی‌نفوذ برای مؤثر واقع شدن از روش‌های مختلفی استفاده می‌کنند که از جمله آنها می‌توان به ۱- ارتباطات شخصی؛ ۲- رسانه‌های جمعی و مطبوعات؛ ۳- حضور در مراکز خط‌مشی‌گذاری؛ ۴- تظاهرات اعتراض آمیز؛ ۵- اقدامات خشونت‌آمیز و نامشروع؛ اشاره کرد و گروه‌های ذی‌نفوذ برای انجام این اقدامات باید دارای قدرت و نفوذ کافی باشند (ربیعی منوچین، گیوریان، ۱۳۸۴: ۵۶).

آقای احمدی‌نژاد به عنوان رئیس جمهور دولت‌های نهم و دهم معتقدند که در آن زمان احزاب و گروه‌هایی مخالف دولت وجود داشتند که معتقد بودند که باید برای زندگی کردن رضایت حاکمان جهانی را جلب کرد، این نوع گروه‌ها به خصوص در مورد مسئله انرژی هسته‌ای فعالیت می‌کردند به کشورهای غربی پیام‌هایی مبتنی بر افزایش فشار بر ایران ارسال می‌کردند؛ تا ایران از سیاست‌های خود در قبال پرونده هسته‌ای کناره‌گیری کند و نتیجه آن تحریم‌های غیرقانونی و خارج از سازمان ملل در دولت دهم توسط آمریکا و اتحادیه اروپا در زمینه نفت، گاز و بانک مرکزی بود.

در دولت حسن روحانی گروه‌های فشار سعی می‌کردند نقش خود را در زمینه سیاست خارجی در نوع سیاست‌گذاری هسته‌ای و روند مذاکرات کشور ایران با کشورهای ۵+۱ ایفا کنند. در این صورت انتقادات شدیدی را نسبت به مذاکرات هسته‌ای بیان می‌کردند و باعث بالاگرفتن انتقادات نسبت به دولت آقای روحانی شدند (عابدینی و ایزدی، ۱۳۹۶: ۲۸۰). از اولین گروه منتقد نسبت به سیاست‌های دولت در قبال پرونده هسته‌ای ایران می‌توان جبهه پایداری را نام برد که افراد این گروه نمایندگان مجلس وابسته به جبهه پایداری بودند. گروه‌هایی نیز جزء طرفداران و حامیان سیاست‌های دولت روحانی در قبال پرونده هسته‌ای و مذاکرات و سیاست‌های داخلی حساب می‌شدند این گروه عمدتاً از بدنه گروه اصلاح‌طلبان و نمایندگان مجلس اصلاح‌طلب را شامل می‌شوند (عابدینی، ایزدی، ۱۳۹۶: ۶۳-۶۴).

۳-۲-۳- انسجام دولت و جامعه: واقع‌گرایی نئوکلاسیک همان مفهوم‌سازی از بالا به پایین که برای دولت قائل است برای رابطه دولت و جامعه هم قائل است (سلیمی، ابراهیمی، ۱۳۹۳: ۳۲). وفاداری و اعتماد نیروهای اجتماعی در جامعه به رژیم سیاسی حاکم باعث می‌شود که بسیج و هدایت نیروها به سادگی صورت گیرد اما بی‌اعتمادی نیروهای اجتماعی به دولت باعث کاهش قدرت ملی دولت می‌شود پس واقع‌گرایی نئوکلاسیک یک رابطه دوسویه برای دولت و جامعه در نظر می‌گیرد (قوام، ۱۳۹۲: ۲۱-۲۲). در این پژوهش برای مقایسه انسجام بین دولت و جامعه در دولت‌های احمدی‌نژاد و روحانی از شاخص میزان مشارکت و آرای مردمی در انتخابات استفاده می‌کنیم. اگر تعداد آرای مردمی در انتخابات دولت دهم را به عنوان یک شاخص همبستگی میان دولت آقای احمدی‌نژاد و جامعه در نظر بگیریم در این صورت در انتخابات دولت دهم در سال ۱۳۸۸ که با مشارکت ۸۵ درصدی مردم جمهوری اسلامی ایران برگزار شد، آقای احمدی‌نژاد ۶۲ درصد آرا را به خود اختصاص داد که این نشان از انسجام میان مردم و دولت و مقبولیت این دولت در جامعه دارد (آمار انتخابات ریاست جمهوری، ۱۳۸۸).

در انتخابات دولت یازدهم، آقای روحانی سعی می‌کرد شرایطی ایجاد شده برای ایران در نظام بین‌الملل را به رویکردهای قاطعانه آقای احمدی‌نژاد در دولت قبل نسبت دهد. لذا اعتقاد دولت آقای روحانی این بود که اگر تندروری را کنار بگذاریم، همه مشکلات حل خواهد شد و این جو انتخاباتی عاملی بود که باعث پیروزی آقای روحانی در انتخابات سال ۱۳۹۲ شد. در انتخابات دولت یازدهم با مشارکت ۷۲ درصدی مردم ۵۰/۷ درصد مردم به آقای روحانی رأی داده بودند که این آمار خود

بیانگر میزان انسجام نسبتاً کمتر میان دولت آقای روحانی و جامعه نسبت به دولت آقای احمدی‌نژاد می‌باشد (آمار انتخابات ریاست جمهوری، ۱۳۹۸).

۴-۲-۳- رفتار سیاست خارجی: واقع‌گرایان نئوکلاسیک معتقدند که تصمیم‌گیری و عملکرد سیاست خارجی کشورها به طور عقلانی و منطقی است و دولت‌ها به صورت کنشگر عاقل عمل می‌کنند اما این نوع عقلانیت با آنچه که در پارادایم واقع‌گرایی عقلانیت خوانده می‌شود که رهبران کشورها برای منافع شخصی و بر اساس هزینه و فایده عمل می‌کنند، متفاوت است. از نظر نئوکلاسیک‌ها، عقلانیت این چنین است که چون نظام بین‌الملل آنارشیک است کشورها بر حسب قدرت نسبی خود برای تأمین امنیت و بقا به طور کنشگر عاقل سیاست هدفمندی را اتخاذ و اجرا می‌کنند (دهشیری، حسینی، نوروزی، ۱۳۹۷: ۳۰-۳۱). رفتار سیاست خارجی کشورها از سه عامل منافع ملی، ترجیحات داخلی و محدودیت‌های ناشی از ساختار نظام بین‌الملل نشأت می‌گیرد؛ بنابراین رفتار سیاست خارجی هر کشوری باید با ساختار نظام بین‌الملل هم‌تراز و هم‌سو باشد (محمودی کیا، ۱۳۹۷: ۱۴۲-۱۴۳).

رفتار سیاست خارجی دولت احمدی‌نژاد برگرفته از اصول سیاست خارجی آن دولت است. دولت احمدی‌نژاد در رفتار و جهت‌گیری سیاست خارجی خود از اصولی همچون عدالت‌ورزی، تعادل در سیاست خارجی، رعایت اصول اخلاقی، استقلال و عدم وابستگی، دیپلماسی مردم‌محور و گفتگو با مردم سایر کشورها را الگوی جهت‌گیری در رفتار سیاست خارجی خود قرار داده بود و در تلاش بود که در تصمیمات سیاست خارجی از اصول یاد شده پیروی کند (هژیر سرور، مصاحبه با احمدی‌نژاد، ۱۳۹۸).

در دولت حسن روحانی هنگامی که آقای روحانی در سال ۱۳۹۲ از سوی مردم به ریاست جمهوری دولت یازدهم انتخاب شد در عرصه رفتار و جهت‌گیری سیاست خارجی تغییراتی اساسی ایجاد گردید. ایشان مفاهیمی را چون سیاست خارجی فعال و سازنده، اعتدال‌گرایی در سیاست خارجی و تنش‌زدایی، تعامل سازنده با همه کشورها را مورد توجه خود قرار داد که این نوع سیاست‌ها مورد استقبال کشورهای غربی چون آمریکا و اتحادیه اروپا قرار گرفت (باقری دولت‌آبادی، مردانلو، ۱۳۹۴: ۴۲-۴۳). بر همین اساس، رفتار سیاست خارجی دولت حسن روحانی بیشتر و بر پایه تعامل سازنده و تنش‌زدایی با غرب بنا گذاشته شده بود.

۳-۳- سطح کلان نظام بین‌الملل

منظور از سطح کلان، سطح سیستم یا سطح نظام بین‌الملل است که بر سیاست خارجی کشورها از طریق اعمال فشار و یا محدودسازی در تصمیم‌گیری‌های سیاسی اثر می‌گذارد. واقع‌گرایان نئوکلاسیک همچون سایر نحله‌های واقع‌گرایی سیاست بین‌الملل را یک مبارزه مداوم برای قدرت می‌داند و به اعتقاد نئوکلاسیک‌ها جایگاه هر کشور در نظام بین‌الملل مهم‌ترین عامل تعیین‌کننده در جاه‌طلبی و قدرت‌طلبی کشورها در سطح نظام بین‌الملل آنارشیست است که از طریق جهت‌گیری سیاست خارجی و قدرت نسبی داخلی مشخص می‌شود (Taliaferro, 2011: 15). واقع‌گرایی نئوکلاسیک در سطح کلان، عواملی هم‌چون نظم آنارشی و ساختار نظام بین‌الملل، وجود امنیت یا تهدید در نظام بین‌الملل و رفتار سایر کشورها در نظام بین‌الملل را مورد مطالعه قرار می‌دهند.

۳-۳-۱- شرایط حاکم بر نظام بین‌الملل: تأثیر این عامل را بر سیاست خارجی کشورها زمانی می‌توان مشاهده کرد که ساختار نظام بین‌الملل به طور بنیادین دستخوش تغییرات و دگرگونی‌های اساسی گردد که در این صورت شرایط و امکانات قبلی از بین می‌رود و فرصت‌ها و محدودیت‌ها و شرایط جدیدی برای طراحی سیاست خارجی و پیگیری اهداف و منابع ملی حاصل می‌شود (قوام، ۱۳۹۲: ۱۵۶).

دولت احمدی‌نژاد ساختار نظام بین‌الملل در آن زمان را کاملاً ناعادلانه و نامشروع می‌داند که نماد عینی بی‌عدالتی، تبعیض، استکبار و سلطه را دارد. لذا یکی از اولویت‌های اهداف سیاست خارجی دولت احمدی‌نژاد تغییر و اصلاح ساختار حاکم بر نظام بین‌الملل است. در نتیجه به مقابله و مبارزه با نظم حاکم بر نظام بین‌الملل برآمد و لذا یکی از برنامه‌های دولت آقای احمدی‌نژاد شرکت در سازمان‌های بین‌المللی و مجامع بین‌المللی برای اصلاح نظم بین‌المللی و استقرار یک نظام عادلانه اسلامی در نظام بین‌الملل بود (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۱، ۱۱). در دولت احمدی‌نژاد سعی می‌شد با سیاست نگاه به شرق و گرایش به سمت کشورهای جنوب از این بی‌عدالتی در نظام بین‌المللی کاسته شود (محمودخانی، کشیشیان، ۱۳۹۵: ۱۵-۱۷).

دولت روحانی نیز نظم موجود در نظام بین‌الملل میان کشورها را ناعادلانه می‌داند اما معتقد است که باید با همین نظام حاکم پیش رفت تا تحول تدریجی صورت گیرد و عدالت در نظام بین‌الملل برقرار گردد. دولت روحانی به دور از هر تهاجم نسبت به نظام بین‌الملل و سازمان‌های بین‌المللی و قدرت‌های بزرگ که برقرارکننده این نظم هستند، تلاش می‌کرد بر اساس مصلحت و اندیشه و با استفاده از ابزارهای قانونی و همراه کردن دیگر کشورها با ایران به خصوص قدرت‌های بزرگ به اصلاح

نظم حاکم بر نظام بین‌الملل برآید بنابراین آقای روحانی با تنش‌زدایی و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز با سایر کشورها به خصوص قدرت‌های بزرگ به برقراری عدالت در نظام بین‌الملل مبادرت ورزید.

۲-۳-۳- امنیت و تهدید در نظام بین‌الملل: واقع‌گرایان نوکلاسیک در مورد امنیت و تهدید در نظام بین‌الملل این فرض را مطرح می‌کنند که چون در نظام بین‌الملل نظم آنارشیک حاکم است دولت‌ها حتی از برخی روش‌هایی که منافع آنها را تعریف می‌کند عبور کرده و به دنبال روش‌هایی برای افزایش نفوذ و قدرت خود هستند (کولایی و عابدی، ۱۳۹۷: ۷). اگر یک قدرت بزرگ امنیت یک کشور ضعیف را تهدید کند و تهدید بسیار جدی باشد در این صورت کشور ضعیف یا باید به خواسته‌های قدرت بزرگ تن دهد و یا تصمیم به جنگیدن با قدرت بزرگ را بگیرد که در این صورت محکوم به نابودی خواهد بود اما اگر تهدید کوچک و اندک باشد کشور ضعیف راه‌های مسالمت‌آمیز دیگری همچون مذاکره و صلح و سازش را می‌تواند در پیش گیر (Jong Kun, 1992: 72).

در مصاحبه نویسنده با آقای مجتبی ثمره هاشمی (مشاور ارشد و دستیار ارشد دولت احمدی‌نژاد) ایشان بیان داشتند که آقای احمدی‌نژاد به دلیل این‌که در مجامع بین‌المللی به پشتیبانی ملت ایران نظرات و مقاصد خود را بیان می‌کرد و بر تفکرات خود آگاه بود و ملت خود را خوب می‌شناخت، نمایندگان مردم و دولت ایران در نظام بین‌الملل با قدرت حضور پیدا می‌کردند در نتیجه تلاش داشتند که در نظام بین‌الملل برای کشور ایران در دولت احمدی‌نژاد بیشتر امنیت وجود داشته باشد تا تهدید.

در دولت حسن روحانی به دلیل مواردی هم‌چون کاهش فروش نفت؛ کاهش صادرات و واردات به سایر کشورها؛ شکل‌گیری داعش در منطقه و نزدیکی آن به مرزهای ایران؛ تهدید حمله نظامی به ایران از طرف آمریکا در صورت عدم مذاکره و مسائل هسته‌ای ایران؛ رکود، تورم اقتصادی و کاهش ارزش پول ملی، مواردی است که دولت روحانی را در شرایط داخلی و بیرونی دچار برخی موانع در برقراری امنیت می‌کرد.

۳-۳-۳- رفتار سایر کشورها: سطح نظام بین‌الملل و سطح کلان به عنوان متغیر مستقل در رفتار و جهت‌گیری سیاست خارجی کشورها و شکل دادن به این جهت‌گیری‌ها می‌تواند اثرگذار باشد. این اثرگذاری از طریق ساختار و فرایند و به صورت کلیت نظام بین‌الملل صورت می‌گیرد که در این صورت رفتار کشورها از نظام بین‌الملل تأثیر می‌گیرد. این ویژگی خاص نظام بین‌الملل است که نوع رفتار را بر واحدها تحمیل می‌کند (قاسمی، ۱۳۹۳: ۴۳۵). در نظام بین‌الملل، رفتار سیاست خارجی

کشور بر جهت‌گیری سیاست خارجی سایر کشورها اثر دارد و این واکنش‌های متقابل در نظام بین‌الملل دیدگاه کشورها نسبت به سیاست بین‌الملل را نشان می‌دهد.

در دولت احمدی‌نژاد به دلیل اتخاذ سیاست «نگاه به شرق» و سیاست «نگاه به جنوب» که جزء جهت‌گیری‌های سیاست خارجی دولت بود روابط ایران با سایر کشورها البته به جز آمریکا و بخشی از اتحادیه اروپا که اقدام به اعمال تحریم‌های یک‌جانبه و غیرقانونی و خارج از سازمان ملل کرده بودند، روابط ایران با سایر کشورها مثل کشورهای آمریکای لاتین و کشورهای آسیایی و کشورهای آفریقایی بسیار گسترده بود و در حوزه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، نظامی و... این روابط وجود داشت. البته سیاست خارجی دولت احمدی‌نژاد بر اساس اصل رابطه با همه ملت‌ها و همه کشورها استوار بود اما چون در کشور آمریکا رویکردهای ضدایرانی وجود داشت و بخشی از کشورهای اتحادیه اروپا نیز با خود همراه کرده بود، مانع از برقراری روابط ایران با آمریکا و قسمتی از اتحادیه اروپا می‌شد (هژیر سرور، مصاحبه با ثمره هاشمی، ۱۳۹۸).

در مورد دولت آقای روحانی به دلیل اینکه ایشان در انتخابات دولت یازدهم با شعارهای تعامل با غرب وارد عرصه انتخابات شدند، در نتیجه کشورهای غربی و آمریکا از انتخاب ایشان ابراز خوشحالی و خشنودی نموده و خواهان حل مسائل خود با ایران بودند و شروع به مذاکره با ایران کردند و روسیه نیز در حالی که تا آن زمان رفتاری محتاطانه با ایران داشت با آغاز مذاکرات ایران و غرب به دلیل ترس از بهبود روابط میان ایران و آمریکا به گسترش روابط خود با ایران و اتخاذ رویکردهای نرم و همکاری‌جویانه نسبت به ایران پرداخت (محمدیان و رضایی، ۱۳۹۸).

۴- مقایسه و نتیجه‌گیری

در این گفتار با توجه به مؤلفه‌های نظریه واقع‌گرایی نوکلاسیک، سیاست خارجی احمدی‌نژاد و روحانی در سطح خرد و کلان مقایسه می‌شود. در سطح خرد فردی در خصوص دیدگاه رهبران و تصمیم‌گیرندگان در مورد شرایط حاکم بر نظام بین‌الملل شباهت میان دولت احمدی‌نژاد و روحانی این است که هر دو دولت نظم حاکم بر نظام بین‌الملل را یک نظم ناعادلانه و سلطه‌گر می‌دانند که تنها منافع کشورهای سرکرده را تأمین می‌کند و سایر کشورها باید تابع سیاست‌های کشور سرکرده و همزمن باشند؛ اما تفاوتی که میان دولت احمدی‌نژاد و دولت روحانی در سطح خرد فردی وجود دارد، در عرصه عمل است که دولت احمدی‌نژاد برای مقابله با این نظم ناعادلانه و یک‌جانبه‌گرایی آمریکا به سمت رابطه با کشورهای شرقی و کشورهای جنوب حرکت می‌کند تا اعتدال در نظام بین‌الملل حاصل گردد این در حالی است که دولت روحانی برای مقابله با بی‌عدالتی حاکم بر نظام

بین‌الملل به سمت مذاکره و تعامل با کشورهای سرکرده حرکت کرد و سعی نمود با مذاکره با کشورهای سرکرده نظام بین‌الملل به‌ویژه آمریکا یک نظم عادلانه را برقرار گردد.

در سطح خرد ملی در مورد بسیج نیروهای مردمی در دولت احمدی‌نژاد، آن‌چه بسیج نیروها را نمایش می‌دهد، مواردی هم‌چون سهمیه‌بندی بنزین، طرح هدفمندی یارانه‌ها و موضوع انرژی هسته‌ای است که مردم با شعار "انرژی هسته‌ای حق مسلم ماست"، قدرت بسیج خود را در این مورد به نمایش می‌گذارند. در دولت روحانی بسیج نیروهای مردمی در موضوعات برداشته شدن تحریم‌ها و حل مسئله پرونده هسته‌ای ایران بر پایه مذاکرات برجام قرار می‌گیرد.

در خصوص مقایسه انسجام دولت و جامعه یک شاخصی که برای بیان و مقایسه انسجام میان دولت و جامعه به کار گرفته شد، آمار رأی دهندگان در انتخابات دولت دهم و دولت یازدهم به آقای احمدی‌نژاد و آقای روحانی بود که در دولت آقای احمدی‌نژاد یعنی دولت دهم با مشارکت ۸۵ درصدی مردم که ۶۲ درصد آرا را به آقای احمدی‌نژاد تعلق داشت؛ در دولت یازدهم مشارکت مردم ۷۲ درصد بود و شاهد بودیم که ۵۰/۷ درصد آرا به آقای روحانی اختصاص داشت و می‌بینیم که در انتخابات دولت دهم مشارکت مردم حدود ۱۳ درصد بیشتر از دولت یازدهم و هم‌چنین در دولت دهم آرای مردمی به آقای احمدی‌نژاد حدود ۱۱/۳ درصد بیشتر از آرای مردم در دولت یازدهم به آقای روحانی است.

تأثیر گروه‌های ذی‌نفوذ در سیاست‌های داخلی و خارجی هر دو دولت احمدی‌نژاد و روحانی دیده می‌شود اما تفاوت این اثرگذاری در این است که در دولت احمدی‌نژاد احزاب و گروه‌های اصلاح‌طلب مخالف سیاست‌های دولت بوده و احزاب و گروه‌های اصول‌گرا و گروه‌های نزدیک به جبهه پایداری از موافقان و حامیان سیاست‌های دولت دهم بودند، این در حالی است که در دولت روحانی این اثرگذاری بر عکس می‌شود؛ یعنی به دلیل نزدیکی دیدگاه‌ها و سیاست‌های دولت یازدهم به سیاست‌های دوران اصلاحات، احزاب و گروه‌های اصول‌گرا و هم‌چنین جبهه پایداری بیشتر منتقد و مخالف سیاست‌های دولت روحانی به‌ویژه در بحث مذاکرات هسته‌ای بودند و سعی در تأثیرگذاری در سیاست‌های دولت در این زمینه داشتند.

دولت‌مردان دولت احمدی‌نژاد در مورد رابطه دولت و جامعه معتقدند که دولت چیزی به جز مردم نیست و سیاست‌های دولتی باید در جهت برآورده کردن خواسته‌های مردم باشد. دولت احمدی‌نژاد سعی می‌کرد که برای ایجاد عدالت اجتماعی حمایت خود را از گروه‌های فرودست در مقابل گروه‌های فرادست افزایش دهد که بیشتر حمایت دولت از مردم در قالب عدالت‌های اقتصادی

جای می‌گیرد. این در حالی است که دولت روحانی بیشتر تمرکز خود را بر روی سیاست خارجی و مذاکره با قدرت‌های بزرگ گذاشته بود و به قولی توجه به سیاست‌های داخلی در این دولت کمتر دیده می‌شود و حتی دولت یازدهم حل بسیاری از مشکلات داخلی را در گرو انجام مذاکره با قدرت‌های بزرگ می‌دانست.

تفاوتی که در زمینه رفتار سیاست خارجی در دولت‌های احمدی‌نژاد و روحانی دیده می‌شود، این است که دولت احمدی‌نژاد در رفتار و جهت‌گیری سیاست خارجی خود به دلیل تعارض با کشورهای غربی بیشتر به سمت شرق و کشورهای جنوب توجه دارد که نمونه‌های آن را می‌توان در رابطه با کشورهای آفریقایی، آمریکای لاتین، چین، روسیه و کشورهای شرق آسیا مشاهده کرد؛ اما دولت روحانی در جهت حل مسائل و مشکلات با غرب و اعتمادسازی ایران و آمریکا سیاست خارجی دولت به سمت تعامل با غرب حرکت می‌کند

در سطح کلان در مورد شرایط حاکم بر نظام بین‌الملل، ساختار نظام بین‌الملل در هر دو دولت به صورتی بود که از طرف کشورهای سرکرده نظم بر نظام بین‌المللی تحمیل می‌گردید و یک ساختار مسلط وجود داشت که تنها منافع کشورهای سرکرده را تأمین می‌کرد و سایر کشورها باید تابع سیاست‌های دولت‌های سرکرده باشند و اگر کشوری با این ساختار مقابله کند از طریق کشورهای سرکرده فشار بیشتری بر این کشور وارد می‌شود. دولت احمدی‌نژاد رویکردی قاطعانه برای مقابله با این نظم سلطه‌گر داشت، در حالی که دولت روحانی رویکردهای نرم و تدریجی را برای مقابله با این نظم ناعادلانه اتخاذ کرده بود.

در خصوص رفتار سایر کشورها نیز باید اشاره کرد که در دولت احمدی‌نژاد به‌غیر از کشور آمریکا و بخشی از اتحادیه اروپا و در قسمتی در دوران مدودف در روسیه بقیه کشورها رابطه مناسبی با ایران داشتند و حتی رابطه با ایران با این کشورها به‌ویژه کشورهای همسایه گسترش پیدا کرد در حالی که دولت روحانی پیش گرفتن سیاست مذاکره با غرب باعث شد که روسیه و کشورهای غربی حتی برای دستیابی به منافع خود در ایران و دستیابی به بازار ایران هم که شده روابط خود را با ایران گسترش دهند اما در نهایت با شکست برجام و تیرگی روابط با غرب، دولت روحانی برای مقابله با تحریم‌های آمریکا که در دوران پسابرجام تشدید شده بود، بیشتر به سمت گسترش رابطه با شرق حرکت کرد.

در سیاست خارجی دولت احمدی‌نژاد به دلیل تحریم‌هایی که آمریکا به صورت یک‌جانبه و چندجانبه در حوزه‌های مختلف سیاسی، نظامی، اقتصادی، تجاری، مالی، پولی و بانکی بر ضد ایران

در شورای امنیت سازمان ملل متحد اعمال می‌کرد دولت احمدی‌نژاد نیز در مقابل در سیاست خارجی خود مسیر شرق‌گرایی و رابطه با کشورهای شرقی را در پیش گرفت و با بهبود بخشیدن روابط خود با کشورهای شرقی و حمایت از کشورهای جنوب و گسترش روابط با کشورهای همسایه در تلاش بود که در مقابل زورگویی‌ها و اعمال فشار غربی‌ها بر ایران در جهت اعمال سیاست مورد نظر خود ایستادگی کرده و نوعی توازن برقرار کند. در دولت روحانی هنگامی که آقای روحانی در شعارهای انتخاباتی خود به گسترش روابط با غرب در قالب سیاست "تعامل سازنده" و پیگیری مذاکره با آمریکا را مطرح کرد این سیاست‌ها برای دستیابی غرب به ایران هم که شده مورد استقبال کشورهای غربی قرار گرفت به طوری که بسیاری از کشورهای غربی از انتخاب آقای روحانی به ریاست جمهوری دولت یازدهم ابراز خوشحالی نمودند در این صورت مذاکره با آمریکا و غرب در دولت یازدهم جهت حل مسائل میان ایران و کشورهای غربی در پیش گرفته شد که سرانجام آن امضای برنامه جامع اقدام مشترک یا همان "برجام" بود اما در کشور آمریکا با روی کار آمدن دونالد ترامپ این توافق از طرف کشور آمریکا بی‌اساس و ضعیف خوانده شد و در نهایت با خروج آمریکا از برجام و عهدشکنی‌های آمریکا و همچنین تشدید تحریم‌ها علیه جمهوری اسلامی ایران در دولت ترامپ آقای روحانی و دولتمردان دولت سیاستی را شبیه به سیاست شرق‌گرایی دولت احمدی‌نژاد در قبال آمریکا در پیش گرفت و به سمت رابطه با کشورهای شرقی حرکت کردند.

در خصوص دولت احمدی‌نژاد در مورد مؤلفه‌های واقع‌گرای نئوکلاسیک باید گفت که اگرچه در دولت احمدی‌نژاد در دوره کوتاهی شرایط میان ایران با روسیه و آمریکا به دلایلی چون دیدگاه‌های غرب‌گرایانه مدودف در روسیه تا حدی مناسب نبود اما این شرایط به خاطر سیاست‌های غلط روسیه و آمریکا نسبت به ایران بود. در عرصه داخلی نیز به دلیل انسجام و همبستگی دولت و جامعه و حمایت‌های ملت ایران از سیاست‌های دولتی، دولت احمدی‌نژاد توانست در عرصه‌های داخلی و خارجی به پیشرفت‌هایی نسبی در حوزه‌های مختلف نائل گردد و این در حالی است که دولت روحانی بیشتر تمرکز فعالیت خود را در سیاست خارجی قرار داده بود و در سیاست داخلی حل مشکلات داخلی خود را در گرو حل مسائل خارجی و مذاکره با آمریکا می‌دید.

در نهایت ما به عنوان کشور ایران باید قبول کنیم که شرایط نظام بین‌الملل روندی شبیه به حالت دوران گذار دارد و دوران گذار همیشه دوران آشوب و تنش است و در این شرایط آشوب و تنش کشوری باقی خواهد ماند که قدرت داشته باشد؛ بنابراین ایران چون به لحاظ ژئوپلیتیک، ایدئولوژیک و ژئوکالچر همواره در طول تاریخ به عنوان یک کشور قدرتمند شناخته شده نمی‌تواند

نقش یک کشور ضعیف را در نظام بین‌الملل بازی کند و ضعف برای کشور ایران مساوی با نابودی است. در نتیجه کشور ایران که همواره در منطقه و گاهی در نظام بین‌الملل یک کشور قوی محسوب می‌گردد باید بکوشد تا با استفاده درست از منابع طبیعی و منابع انسانی خود و امکانات موجود در کشور از قدرت منطقه‌ای به یک قدرت بین‌المللی تبدیل شود.

منابع و مأخذ

الف - فارسی

- آجیلی، هادی، افشاریان، رحیم (۱۳۹۵) "گفتمان اعتدال در سیاست خارجی دولت یازدهم" **فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست**، سال پنجم، شماره ۱۹، صص ۴۳-۷۳
- باقری دولت‌آبادی، علی، مردانلو، اسماعیل (۱۳۹۴) "عوامل مؤثر در دستیابی به توافق هسته‌ای در دولت یازدهم، پژوهش‌نامه ایرانی سیاست بین‌الملل، سال سوم، شماره ۲، صص ۲۸-۴۸"
- حق‌شناس، محمدرضا (پاییز ۱۳۹۳) "واقع‌گرایی نوکلاسیک از سیاست بین‌الملل تا سیاست خارجی"، **فصلنامه سیاست خارجی**، سال بیست و هفتم، شماره ۳، صص ۶۵۹-۶۷۸
- خسروی باب‌اناری، ملک‌تاج (۱۳۹۶) "رویکرد سیاست خارجی دولت یازدهم نسبت به نظم و امنیت منطقه خاورمیانه"، **فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل**، سال دهم، شماره ۳۹، صص ۳۱-۵۸
- دهشیری محمدرضا، حسینی مریم‌سادات، نوروزی رحیم (۱۳۹۷)، "تحول سیاست خارجی عربستان سعودی نسبت به کشورهای منطقه خلیج فارس (مطالعه موردی یمن و قطر)"، **فصلنامه مطالعات سیاست بین‌الملل**، سال سوم، شماره ششم.
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۹۱)، **سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران**، چاپ چهارم، تهران: سازمان مطالعات و تدوین کتب علوم انسانی (سمت)
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال، عطایی، مهدی (۱۳۹۳)، "گفتمان هسته‌ای دولت یازدهم"، **فصلنامه مطالعات راهبردی**، سال هفدهم، شماره اول، صص ۸۷-۱۲۰
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۸۶)، "گفتمان اصول‌گرایی عدالت‌محور در سیاست خارجی آقای احمدی‌نژاد"، **نشریه علمی دانش سیاسی**، دوره سوم، شماره ۱، صص ۶۷-۹۸
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۹۰)، "واقع‌گرایی نئوکلاسیک و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران"، **فصلنامه سیاست خارجی**، سال بیست و پنجم، شماره ۲، صص ۲۷۵-۲۹۴
- ربیعی منوچین، محمدرضا، گیوریان، حسن (۱۳۸۴)، "نقش گروه‌های ذی‌نفوذ {فشار} و احزاب در خط‌مشی‌گذاری دولتی"، **فصلنامه علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد خلخال**، شماره ۴.

- رضایی، علیرضا، ترابی، قاسم (۱۳۹۲) "سیاست خارجی دولت حسن روحانی: تعامل سازنده در چارچوب دولت توسعه‌گرا"، فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا، شماره پانزدهم
- سلطانی‌گرد فرامرزی، مهدی، اشرفی، اکبر (۱۳۹۷)، "مقایسه‌گفتمان هسته‌ای در سیاست خارجی دولت نهم و دهم با گفتمان انقلاب اسلامی"، فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، سال یازدهم، شماره ۴۲، شهریور ۱۳۹۷، صص ۱۰۳-۱۳۱
- سلیمی، حسین، ابراهیمی، منار، (۱۳۹۳) "مبانی نظری، فرانظری و نقد نظریه واقع‌گرایی نئوکلاسیک"، فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره ۵، شماره ۱۷، آبان ۱۳۹۴، صص ۱۳-۴۲
- صادقیان، رضا، موسوی، سید قاسم (۱۳۹۶)، "مقایسه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دولت‌های خاتمی و احمدی‌نژاد"، ماهنامه پژوهش ملل، دوره دوم، شماره ۱۶، صص ۱-۱۸
- عابدینی، حسن، ایزدی، جهانبخش (۱۳۹۶)، "نقش متغیرهای داخلی بر سیاست‌گذاری هسته‌ای دولت یازدهم"، فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی، دوره ۷، شماره ۲۵، صص ۲۷۱-۲۸۹
- قاسمی، فرهاد (۱۳۹۳)، اصول روابط بین‌الملل، چاپ هشتم، تهران: نشر میزان،
- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۵۸)، فصل دهم سیاست خارجی.
- قوام، سید عبدالعلی (۱۳۹۳)، روابط بین‌الملل نظریه‌ها و رویکردها، چاپ نهم، تهران: سازمان مطالعات و تدوین کتب علوم انسانی (سمت)
- قوام، سید عبدالعلی (۱۳۹۲)، اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل، چاپ نوزدهم، تهران: سازمان مطالعات و تدوین کتب علوم انسانی (سمت)
- کولایی، الهه، عابدی، عقیقه (۱۳۹۷) "مؤلفه‌های ژئوپلیتیکی سیاست خارجی روسیه"، فصلنامه ژئوپلیتیک، دوره ۱۴، شماره ۴۹، اردیبهشت ۱۳۹۷، صص ۱-۲۵
- محمدیان، علی، رضایی، علیرضا (۱۳۹۸)، "تبیین سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دوره حسن روحانی از منظر نظریه پیوستگی جیمز روزنا"، فصلنامه سیاست پژوهی جهان اسلام، روزه ۶، شماره ۱۵، دی ۱۳۹۸
- محمود خانی، زهرا، کشیشیان، کارینه (۱۳۹۵)، "بررسی مقایسه‌ای گفتمان سیاست خارجی دولت دهم و یازدهم و تأثیر آن بر امنیت منطقه خاورمیانه (۱۳۸۴ تا ۱۳۹۴)"، فصلنامه سیاست خارجی، دوره ۳۰، شماره ۲، تیر ۱۳۹۵، صص ۷-۳۵
- محمودی کیا، محمد (۱۳۹۷) "منطق و جهان‌نگرش سیاست خارجی دولت روحانی"، فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا، دوره ۱۰، شماره ۳۴، صص ۱۲۶-۱۵۰
- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۹۵)، تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل، چاپ یازدهم، تهران: انتشارات سازمان مطالعات و تدوین کتب علوم انسانی (سمت)
- هژیر سرور، حسین (۱۳۹۸)، مصاحبه اختصاصی با سید مجتبی ثمره هاشمی، دفتر رئیس جمهوری سابق، ولنجک تهران.

- هژیر سرور، حسین (۱۳۹۸)، مصاحبه اختصاصی با محمود احمدی‌نژاد، دفتر رئیس جمهوری سابق، ولنجک تهران.
- هژیر سرور، حسین (۱۳۹۸)، مصاحبه اختصاصی با محمدباقر خرمشاد، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران.

ب- انگلیسی:

- Jong Kun, Choi, (1992), Neoclassical account on external security behaviors of week power towards great power, **The Korean Journal of International Studies** 5-1, December, 81-108
- Juneau, Thomas (2015), **squandered opportunity: neoclassical realism and Iran's foreign policy**, Stanford university press
- Juneau, thomas. and Schmidt, brian (2009). "Neoclassical Realism and Power", Paper presented at the annual meeting of the **ISA's fiftieth annual convention** exploring the past, anticipating the future, Feb 15
- Reichwein, Alex, (2016), "security, Geopolitics, or irredentism? Explaining Russian foreign policy from a neoclassical realism perspective", **ISA Annual convention**, university Giessen
- Lobell, S. E., Ripsman, N. M. and Taliaferro, J. W. (2009). **Neoclassical Realism, the State, and Foreign Policy**, Cambridge university press
- Rose, Gideon (1998), Neoclassical realism and theories of foreign policy, Cambridge university, **World politics**, Vol 15, No 1
- Shweller, randal L, wohlforth, wiliam C, (2000), "power test Evaluating realism in response to the end of the cold war", **Security Studies**, 9 (3), pp 60_107
- Taliaferro, Jeffrey W, (2011), **Neoclassical Realism and the Study of Regional Orders**, Tufis university, department of political science
- Tang, Shipiny, (2009), "Taking Stock of Neoclassical Realism", Fudan University, **International studies Review**, No 11
- Zarif, M.J. (2014), "What Iran Really Wants: Iranian Foreign Policy in the Rouhani Era". **Foreign Affairs**, Vol. 93, No. 3, pp. 1-11